

اهمیت سیاسی و حقوقی منطقه قطب شمال و اداره آن توسط شورای قطب شمال

سید احمد راثی^۱

۱- پژوهشگر و دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

ایمیل نویسنده مسئول: seyyidahmadrasi1994@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

چکیده

قطب شمال از نظر حقوق بین الملل دارای حاکمیت مشخصی نیست. کشورهای اطراف قطب شمال دارای اختلاف حاکمیتی می باشند. بر خلاف قطب جنوب، این منطقه دارای کنوانسیون برای تعیین مسائل حاکمیتی و زیست محیطی و بهره برداری از منابع نمی باشد و به این دلیل پیشرفتی در این منطقه به دلیل تنش بین دولت های مدعی حاکمیت حاصل نشده است. اهمیت استراتژیکی قطب شمال در بین کشورها شناخته نشده است و فقط دولت ها به دلیل وجود منابع نفت و گاز این منطقه را می شناسند. یکی از دلایل اهمیت قطب شمال، دسترسی این منطقه به دریای آزاد می باشد. با گرم شدن تدریجی زمین و ذوب یخ های قطبی، راه برای استخراج منابع زیرزمینی و دسترسی آسان به مسیرهای دریایی این منطقه را آسان نموده و ژئوپلیتیک جهانی را تحت تاثیر قرار داده است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی سعی دارد اهمیت سیاسی این منطقه را تبیین و چالش های حقوقی بر قطب شمال را بررسی نماید. نتایج این تحقیق نشان می دهد که این منطقه با اختلافات مرزی، افزایش قدرت نظامی و ادعاهای ارضی کشورها مواجه است. وضعیت حقوقی این منطقه با توجه به حقوق بین الملل، تابع کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است.

کلمات کلیدی

" قطب شمال"، " حقوق بین الملل"، " محیط زیست قطب شمال"، " کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها"

مقدمه

لینکلن السورت و امبرتو نوییل به وسیله هواپیما فتح شد. نخستین کشتی هایی که موفق شدند به قطب شمال برسند زیردریایی های اتمی آمریکا (در سال های ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹) بودند. یخ شکن آرکتیکای شوروی در سال ۱۹۷۷ نخستین کشتی سطحی بود که به این محل رسید.^۳ در قرن بیستم منطقه قطب شمال، منطقه ای با منافع نظامی بود که مورد استفاده ناتو و شوروی به عنوان پایگاهی برای زیر دریایی های هسته ای و منطقه ای برای آزمایش موشک های بالستیک قاره پیما بود. (Gorenburg, 2011, p 1) وضعیت سیاسی و حقوقی منطقه قطب شمال با توجه به اهمیت جغرافیایی آن هنوز مشخص نشده است. یکی از مناطق سردسیر دنیا که اکثر محدوده مورد پوشش آن با یخ پوشیده شده است. از قرن ۲۰ کم کم اهمیت این منطقه و ادعاهای حاکمیتی بر آن توجه بیشتر دولت ها را به خود جلب کرد. یکی از ابهاماتی که بر وضعیت حقوقی این منطقه تاثیر گذاشته این موضوع می باشد که آیا این منطقه را می توان به عنوان سرزمین شناخت؟ در گذشته به دلیل اینکه فقط بخشی از منطقه قطب شمال پوشیده از یخ بود، حقوقدانان معتقدند این منطقه را نباید به کلی به حقوق دریاها سپرد. (Nele Matz, 2009, p 241) با در نظر گرفتن این رویکرد، کشورها به دلیل ذوب روزافزون یخ های قطبی و ظهور و بروز فرصت های سرمایه گذاری انرژی، ادعاهایی بر این مناطق نموده اند. با توجه به سیر تاریخی این منطقه، قطب شمال در سال ۱۹۰۹ توسط کانادا و در سال ۱۹۲۴ توسط ایالات متحده آمریکا مورد ادعا واقع شده است. سپس اتحاد جماهیر شوروی نیز این روند را ادامه داده و به دلیل نزدیکی جغرافیایی به صورت گسترده در این منطقه ادعای ارضی نمود. در این زمان بود که این کشور بر تنگه برینگ و شبه جزیره کولا دست گذاشت. از سال ۱۹۳۰ این منطقه از

رایج ترین و اساسی ترین تعریف از قطب شمال این است که یک منطقه خشکی و دریایی در دایره قطبی (دایره ای که عرض آن ۶۶/۳۴ درجه شمالی می باشد) می باشد. (Rourke, 2012) قطب شمال جغرافیایی در نقطه ای قرار دارد که عمق آن به ۴۰۸۰ متر می رسد و با توده های عظیم شناور یخی پوشیده شده است. در این ناحیه در شش ماه از سال کاملا روشن و آفتابی و در شش ماه دیگر کاملا تاریک است. خط همدمای ۱۰ درجه سلسیوس معمولا برای مشخص کردن مرز قطب شمال در نظر گرفته می شود. البته ممکن است یک اختلاف دمایی اندکی در مرز قطب شمال وجود داشته باشد. قطب شمال یک ششم کره زمین و به اندازه روسیه - چین و هند وسعت دارد. قطب شمال هیچ جمعیت بومی ندارد و به وسیله بیانیه اتاوا ۱۹۹۶ (شورای قطب شمال) اداره می شود. این کمیته هر دو سال یکبار کمیته های ششگانه آن، اجلاس برگزار می کنند. در اجلاس وزرای این شورا در نوژ در اول می ۲۰۱۳ عضویت ناظر هند رسماً اعلام و تصویب شد. به مفهوم واقعی و پذیرفته شده کلمه، این منطقه قابل تصرف نیست و دریانوردی فقط از طریق زیردریایی میسر است. (Nele Matz, 2009, p 237) کاوشگر آمریکایی، رابرت پیری^۱ در آوریل سال ۱۹۰۹ مدعی شد که با سورتمه و به کمک سگ های خود که آن را می کشیدند، موفق به رسیدن به قطب شمال شده است. سیاح آمریکایی دیگری به نام ریچارد برد^۲ ادعا نمود که در نهم ماه مه ۱۹۲۶ با هواپیما به آنجا دست یافته است. هر دوی این ادعاها بعد ها مورد تردید قرار گرفت. سه روز پس از اقدام ریچارد برد، در ۱۲ مه، محل دقیق قطب شمال توسط یک تیم بین المللی شامل رونال آموندسن،

¹ Robert E. Peary

² Richard E. Byrd

^۲. ویکی پدیای فارسی، قطب شمال

۱-۱- معضل وجود منابع خام و انرژی

۲۲ درصد منابع نفت و گاز دنیا در قطب شمال می باشد. با توجه به بررسی و تحقیقات دولت آمریکا، این مقدار شامل ۹۰ میلیارد بشکه نفت می باشد. در واقع این مقدار انرژی، مصرف سه سال کل دنیا را می تواند تماماً تامین نماید. این مقدار از منابع نفت به طور عمده در مناطق تحت حاکمیت یا ادعای کشورهای آمریکا، دانمارک و کانادا موجود می باشد. بیشترین میزان متمرکز منابع گاز به میزان ۳۰ درصد نیز در روسیه کشف شده است. مشکلی که در این موضوع به چشم می خورد این است که ۸۰ درصد این ذخایر انرژی در دریاهای آزاد واقع شده است. این خود عامل مهمی است که دسترسی به این ذخایر را با مشکل مواجه کرده است. علی الخصوص که این مناطق از وضعیت حقوقی مشخصی برخوردار نبوده و اغلب به عرصه تنش میان کشورهای ساحلی تبدیل می شوند. (Akçadağç, 2013) علاوه بر ذخایر نفت و گاز، منابع دیگری نیز بعد از ذوب شدن یخ های قطبی پدیدار می شوند. از جمله طلا، الماس، سرب، روی، آهن، مس، نقره، ذغال سنگ، اورانیوم و نیکل منابعی هستند که در قطب شمال موجود می باشند ولی با این حال میزان این منابع هنوز مشخص نیستند. (Winkelmann, 2007, p 24) به طور خلاصه با افزایش تدریجی دمای زمین و تغییرات اقلیمی و در نتیجه ذوب شدن یخ ها باعث ظهور و بهره برداری از این منابع در قطب شمال منجر خواهد شد. البته افزایش قیمت مواد خام و انرژی، تغییرات اقتصادی را در پی خواهد داشت. (Stephani, 2010, p 109) این روند آشتهای دولت ها برای تصاحب قطب شمال و مواد خام موجود در آن را افزایش داده و باعث به وجود آمدن رقابت جهت نیل به اهداف خود خواهد شد. البته نباید احتمال بروز مخاصمات نظامی را از نظر دور داشت. این معضلات ناشی از عدم وجود رژیم حقوقی خاص این منطقه می باشد.

۱-۲- معضل امنیت منطقه قطب شمال

با ذوب شدن یخچال های قطبی اهمیت ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه در حال ظهور است. ولی با این حال این موضوع محیط زیست منطقه را مختل کرده و سبک زندگی اهالی بومی را در معرض خطر جدی قرار داده و پتانسیل بروز خشونت و درگیری مسلحانه بین دولتها را در سطح وسیعی افزایش داده است. همچنین ذوب یخ ها و یخچال ها سبب بالا آمدن سطح دریاها و در نتیجه باعث بروز مشکلات زیست محیطی و امنیتی در منطقه خواهد شد. این عامل بر افزایش تنش دولتها در بهره برداری از ذخایر زیرزمینی اثر خواهد گذاشت و در نتیجه باعث سرمایه گذاری های نظامی دولت ها در منطقه برای حفظ موقعیت خود به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه قطب شمال خواهد شد. (Kefferpütz, 2009, p 1) ذوب یخ ها در اثر گرمایش زمین باعث تغییرات طبیعی در مرزهای کشورهای ساحلی منطقه قطب شمال شده و این عامل خود بر امنیت این مناطق تاثیر سوئی دارد. (Humrich, 2011, p 9) افزایش حضور نظامی پرنرگ دولت ها در منطقه قطب شمال نیز می تواند یکی دیگر از اثرات ذوب یخ های قطب شمال باشد. برای مثال حضور زیردریایی ها و افزایش فعالیت های زیردریایی ارتش های کشورهای ساحلی و حضور کشتی های جنگی در منطقه را در پی دارد. در این بین روسیه بیشتر از سایر کشورها تلاش می کند. روسیه پتانسیل های چندگانه قطب شمال را تشخیص داده و به سرعت به دنبال منافع ملی خود است، همانگونه که ذکر شد روسیه نه تنها در مورد بخش عمده ای از قطب شمال ادعای

منظر نظامی مورد توجه قرار گرفت. برای مثال کانادا و ایالات متحده آمریکا به بهانه تهدید همه جانبه از طرف روس ها طرح های دفاعی محور را به اجرا گذاشتند. قطب شمال در میانه جنگ جهانی دوم جولانگاه زیردریایی های آلمانی و روسی برای پیشبرد اهداف نظامی خود بود. بعد از جنگ جهانی دوم در اوج دوران جنگ سرد نیز قطب شمال محل اختلاف بوده و از نظر دولت ها دارای اهمیت استراتژیکی و نظامی شد. با تشدید این اختلافات، اهمیت استراتژیکی منطقه رنگ و بوی سیاسی و امنیتی به خود گرفت. (Keskitalo, 2007, p 193) همانطور که اشاره شد ذوب یخ های این منطقه (به دلیل گرمایش زمین) سه نکته اساسی و کلیدی امنیت، دسترسی آسان به مسیر های دریایی (ایجاد آبراه های جدید) و انرژی (نفت و گاز) محل بحث و اختلاف دولت ها شد. در واقع گرمایش زمین به طور چشمگیری بر منطقه قطب شمال تاثیر گذاشته است. با ارزیابی اثرات آب و هوایی قطب شمال^۱ در سال ۲۰۰۴ می توان به این نتیجه رسید که تا پایان سده جاری میلادی دمای این منطقه ۴ الی ۷ درجه افزایش یابد. همزمان با این بررسی، تحقیق دیگری نیز صورت گرفت و به این نتیجه رسیدند که تا سال ۲۰۴۰ تمامی یخچال های قطب شمال ذوب خواهد شد. با این حال با تشدید بحران گرمایش زمین و بی توجهی قدرت های جهانی به این مسئله (از جمله ایالات متحده) روند ذوب شدن یخ ها با سرعت بیشتری انجام می پذیرد. (Kefferpütz, 2010, p 1) کشورها با توجه به امکانات خود سعی در اثبات حق حاکمیت خود بر منطقه قطب شمال و حفظ منافع خود در آن منطقه هستند. به خصوص اقدامات تحریک آمیز روسیه و برافراشتن پرچم خود در قطب شمال باعث تشدید اختلافات شده است. در روسیه به جای ارتش و نیروی دریایی نفت و گاز اهمیت زیادی یافته است. رهبران روسیه، قطب شمال را به عنوان یک منبع بالقوه اقتصادی، استراتژیکی و یک مسیر بالقوه تجاری - دریایی در نظر گرفته اند. (غلامی، ۱۳۹۳، ص ۴۱) مسیرهای دریایی جدید در قطب شمال نیز وزن ژئوپلیتیک روسیه را به شدت افزایش می دهد. روسیه به دنبال توسعه ارتباطات و زیرساخت های حمل و نقل دریایی برای اتصال اروپا و آسیا می باشد (Nopens, 2010, p 3) و امیدوار است که با توسعه مسیر شمالی به رقابت با کانال سوئز در تجارت دریایی بپردازد. اهمیت این مسیر برای روسیه از این جهت است که مسیر آسیا به اروپا را به طور قابل توجهی کوتاه تر از مسیر کانال سوئز و دماغه امیدنیک می کند. (Gorenburg, 2011, p 11) وزیر وقت امور خارجه کانادا با انتقاد از اقدام روسیه، گفته بود که هم اکنون قرن ۱۵ نیست که روسیه بخواهد با برافراشتن پرچم خود ادعای ارضی خود را اثبات و بر آن منطقه حکومت کند. (Gunitskiy, 2008, p 261)

۱- مشکلات و معضلات اساسی قطب شمال

با توجه به تحقیقات صورت گرفته طی ۲۰ الی ۳۰ سال اخیر در سطح وسیعی یخچال های قطب شمال ذوب خواهند شد. بدیهی است که این روند باعث ایجاد مشکلات عدیده ای در منطقه خواهد شد. سه معضل وجود منابع خام، امنیت و آبراه های بین المللی مهم ترین مشکلات این منطقه می باشد که با ذوب شدن یخ های قطبی تشدید خواهند شد.

^۱ Arctic Climate Impact Assessment

اقدام کرد. همچنین طی بیانیه های مختلف حق اعمال و استفاده از ۲۰۰ مایل دریایی به عنوان منطقه انحصاری اقتصادی را یادآور شد. جامعه بین المللی این اقدام روسیه را که تقریباً نصف اقیانوس منجمد شمالی را دربر می گرفت را محکوم کرد. نروژ نیز با گسترش فلات قاره خود، منطقه سوالبارد را جزو مناطق خود قلمداد کرد. معاهده ۱۹۲۰ سوالبارد^۱ نیز این ادعای نروژ را تایید کرده و این منطقه را جزئی از خاک نروژ به رسمیت شناخته است. سایر کشورهای امضا کننده این توافق نامه از جمله روسیه نیز اعتراضی به فعالیت های اقتصادی نروژ در جزیره سوالبارد نکرده است. (تلویحا تایید کرده است). علی رغم این مسئله روسیه در سطح وسیعی نیروهای نظامی خود را در نزدیکی این جزیره و در برخی از مناطق قطب شمال مستقر کرده است. در مقابل نروژ نیز در اقدامی تلافی جویانه برای تامین امنیت منافع خود در جزیره سوالبارد که تهدیدی علیه خود می داند، با همکاری ناتو در منطقه استقرار یافته و در صدد مهار مسکو به نفع خود می باشد. (Grätz, 2012, p 2) کانادا نیز در منطقه خود بیشتر از هر مسئله ای به امنیت ملی و حاکمیت ملی خود بر قسمت هایی از قطب شمال متمرکز شده است. کانادا در اعتراض به فعالیت های نظامی روسیه هر از گاهی مانور های نظامی در منطقه انجام می دهد که مهم ترین آن ها نانوک ۰۷ می باشد. کانادا با استقرار هشت یخ شکن و زیردریایی های نظامی و غیر نظامی خود و تاسیس پایگاه های دریایی و زیردریایی در آن منطقه سعی در نشان دادن قدرت و عزم خود برای اعمال حاکمیت بر منطقه می باشد. (Isted, 2009, p 354) دانمارک در سال ۲۰۰۷ کوه های لومونوس را ادامه و امتداد سرزمین گرینلند تلقی و اثبات کرده و ادعای ارضی خود را بر آن کوه ها اعمال کرده است. کانادا در این زمینه در سال ۲۰۰۸ با انجام سری تحقیقاتی ثابت کرد که سرزمین گرینلند با سواحل کانادا مرتبط است و امتداد این سرزمین با سرزمین های کانادا معلوم و ثابت شده است. اختلاف دیگری نیز در زمینه جزایر هانس^۲ رخ داده است. این جزایر بین قسمت شمال غربی گرینلند و جزیره الزمیر^۳ واقع شده است. جزیره ای که دارای مساحت کم، لم یزرع و خالی از سکنه می باشد ولی با این حال در مورد آن بین دانمارک و کانادا اختلاف وجود دارد. در میان دولتمردان آمریکا نیز توجه به مناطق قطب شمال رو به روز بیشتر می شود. یکی از دلایل مهم آن وجود منابع نفتی در منطقه و تاسیس شرکت های

ارضی می کند بلکه به دنبال دستیابی به حاکمیت حقوقی بیشتر به منظور بهره برداری از منابع طبیعی آن است. در نتیجه روسیه به طور فزاینده ای میل به نشان دادن قدرتش در منطقه را دارد. استراتژی امنیت ملی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۰ اشاره به افزایش رقابت برای دسترسی به منابع انرژی به ویژه در قطب شمال دارد که این رقابت ممکن است به رویارویی نظامی تبدیل شود. روسیه منافع خود را با استفاده از قدرت نظامی و ابزارهای دیپلماسی مانند کنوانسیون حقوق بین الملل دریاها دنبال می کند و برای دسترسی به اهداف خود نیروهای مسلح و گارد ساحلی را در منطقه قطب شمال جهت تضمین امنیت نظامی در شرایط متغیر سیاسی و نظامی مستقر کرده است. (Nopens, 2010, p 5)

۳-۱- معضل آبراه های منطقه قطب شمال

کریدور شمال - شرق منطقه قطب شمال که مسیر دریایی قطب شمال را تشکیل می دهد وسعتی در حدود ۱۴۰۰۰ کیلومتر می باشد. در شرایط مشابه مسیر دریایی قطب شمال به دلیل کوتاه بودن آبراه باعث کاهش هزینه های حمل و نقل دریایی می شود و بدیهی است که دولت ها و شرکت های حمل و نقل بین المللی این مسیر را انتخاب خواهند کرد. به ویژه مسیر دریایی اروپا - شرق آسیا به دلیل کوتاه شدن این مسیر از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. این مسیر دریایی کاهش هزینه های حمل و نقل و افزایش تراز تجاری و حجم مبادلات اقتصادی بین اروپا و شرق آسیا (مخصوصاً چین به عنوان اقتصاد دوم مطرح در سطح جهان) می شود. (Kefferpütz, 2010, p 2)

۲- ادعاهای سرزمینی در منطقه قطب شمال

ذوب شدن یخ ها کشتیرانی را در قطب شمال امکانپذیر می کند و به این ترتیب مسیرهای دریایی و تجاری جدیدی در قطب شمال به وجود خواهد آمد. (Nopens, 2010, p 2) در سال ۲۰۰۸ در قطب شمال برای اولین بار در تاریخ، معبری در شمال شرقی و غربی در نتیجه عاری شدن از یخ ثبت شده است. (Sommerkorn, 2010) منافع کشورهای ساحلی قطب شمال به دلیل وجود منابع زیرزمینی و ذخایر انرژی و مواد خام دارای اهمیت بسیاری است. از جمله این کشورهای ساحلی که دارای منافع در قطب شمال بوده و در نتیجه مدعی بخشی از قطب شمال به عنوان سرزمین خود هستند عبارت اند از: ایالات متحده، دانمارک، کانادا، نروژ و روسیه. (Gebhardt and Ingenfeld, 2011, p 26) همین منافع دولت ها در قطب شمال خود عامل مهمی می باشد که مشکلات این منطقه را دوچندان و غیرقابل حل تر نموده است. واقعیت امر این است که این دولت ها تنها بر مبنای منافع خود عمل می کنند نه به محیط زیست توجهی دارند نه به توافقات فی ما بین و از توجه به مسائل مهمی همچون مسائل زیست محیطی منطقه و توسعه پایدار خودداری و غفلت می کنند. می توان گفت در استخراج منابع زیرزمینی از این منطقه هر کشور می تواند سهم عمده ای در زبان های حاصله به محیط زیست داشته باشند.

۲-۱- ادعای ارضی کشور های ساحلی در قطب شمال

همانطور که گذشت هشت کشور در ادعاهای ارضی قطب شمال سهم عمده ای دارند. پنج کشور ایالات متحده، روسیه، کانادا، نروژ و دانمارک (گرینلند) دارای مرز مستقیم با قطب شمال هستند. (Matz, 2009, p 240) روسیه در سال ۲۰۰۱ اولین کشوری بود که برای حق گسترش فلات قاره مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

۱. در سال ۱۹۲۰ بر اساس معاهده ی سوالبارد که میان کشورهای آمریکا، دانمارک، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و چند کشور دیگر امضا شد که در آن این منطقه قطبی از آن نروژ شد ولی با این حال دیگر کشور های امضا کننده این حق را به خود دادند که از منابع طبیعی و آبی این منطقه به طور مشترک استفاده کنند و اتحاد جماهیر شوروی نیز در سال ۱۹۲۵ به این معاهده پیوست. (برگرفته از سایت:

www.akairan.com

۲. جزیره ای کوچک و خالی از سکنه در کانال کندی، میان جزیره الزمیر و گرینلند است. مساحت آن ۱/۳ کیلومتر مربع و ابعاد آن ۱۲۹۰ متر در ۱۱۹۹ متر می باشد. این جزیره خلیج بافین را به دریای لینکلن متصل می کند. جزیره هانس در میان آب های سرزمینی کانادا و دانمارک قرار داشته و هر دو کشور ادعای مالکیت بر آن را دارند. (ویکی پدیای فارسی، جزیره هانس)

۳. بزرگترین جزیره از جزایر ملکه الیزابت کانادا، در ناحیه بافین و قلمروی نوونووت در شمال غرب گرینلند واقع شده است. الزمیر یکی از جزایر مجمع الجزایر قطبی کانادا و سومین جزیره بزرگ این کشور است. الزمیر همچنین با مساحت ۱۹۶۲۳۶ کیلومتر مربع (۷۵۷۶۷ مایل مربع) دهمین جزیره بزرگ جهان است. این جزیره حدود ۵۰۰ کیلومتر (۳۰۰ مایل) عرض و ۸۰۰ کیلومتر (۵۰۰ مایل) درازا دارد. (ویکی پدیای فارسی، جزیره الزمیر)

و در عین حال به رسمیت شناختن حاکمیت کشورهای ساحلی قطب شمال، بر حقوق قانونی خود در منطقه بر اساس حقوق بین الملل نیز تاکید می کرد، حقوقی چون آزادی حمل و نقل در مناطق دریایی شمالگان. (جناب زاده، ۱۳۹۵) چین در بیانیه خود اعلام کرده که یک کشور نزدیک به قطب شمال است. معنا و مفهوم این دعا ابهام آلود است، زیرا چنین ادعایی هیچ حق قانونی و حقوقی بین المللی برای این کشور ایجاد نمی کند. شاید این دعای چین تلاشی است برای افزایش مشروعیت فعالیت هایش در منطقه قطب شمال. این تلاش چندان با افزایش فعالیت های انسانی در قطب شمال بی ارتباط نیست. بیانیه چین به وضوح در پی ایجاد یک جاده ابریشم قطبی است تا بتواند تجارت گسترده و وسیع خود را با آسیا و اروپا از طریق یک مسیر کمربندی جدید ادامه دهد.^۲ چین قصد دارد چارچوب حقوقی بین المللی مرتبط با قطب شمال را رعایت کند و همزمان در پی آن است تا حقوق مشروع و منافع خود را نیز در چارچوب همین قانون حفظ کند. این منافع بیشتر شامل آزادی حمل و نقل و رفت و آمد از طریق منطقه انحصاری اقتصادی کشورهای ساحلی، فعالیت های دریایی مرتبط با این منطقه من جمله کابل گذاری و لوله گذاری و همچنین استخراج منابع موجود در مناطق خارج از صلاحیت کشورهای ساحلی می باشد. چین در عین حال به شرایط زیست محیطی شکننده قطب شمال نیز نیم نگاهی دارد. (جناب زاده، ۱۳۹۵) در مورد وضعیت قانونی و حقوقی بیانیه با عنوان کرد نظر به اینکه تصویب بیانیه چین یک اقدام یکجانبه محسوب می شود که چین از طریق آن رسماً سیاست های خود را پیرامون قطب شمال به اطلاع عموم می رساند، ارزیابی قانونی آن بستگی به نحوه برخورد حقوق بین الملل با چنین اقدام یکجانبه ای دارد. آیا این سند از منظر حقوق بین الملل یک اقدام یکجانبه تلقی می شود؟ اگرچه هیچ تعریف جامع و پذیرفته شده ای برای اقدام یکجانبه وجود ندارد (Aieš, 2009) اما منابع عمومی حقوق بین الملل اشعار می دارند که یک اقدام یکجانبه اگرچه صرفاً در اثر اقدامات یک کشور واحد ایجاد می شوند و نیازمند حضور کشورهای دیگر نیستند، اما سبب ایجاد برخی حقوق و تعهدات برای آن کشور می شوند. عرف قضایی کشورها و حقوق طبیعی بین المللی نیز نمونه های متعددی فراهم می آورند که بررسی آنها می تواند عواقب اقدامات یکجانبه را مشخص کند.^۴ اما این بیانیه احتمالاً بهترین سند برای تعیین پایداری این کشور به قواعدی است که پیش از این در مورد منطقه قطب شمال تعیین شده است. بیانیه چین به عنوان یک سند در پی تاکید بر سیاست خارجی (برد - برد) چین است تا از طریق آن بتواند تأثیری قانونی بر تحولات منطقه بگذارد، آن هم بدون ایجاد مناقشه و درگیری. (جناب زاده، ۱۳۹۵) فنلاند، ایسلند و سوئد نیز به دلیل اینکه دارای قرابت جغرافیایی با منطقه قطب شمال هستند عضو شورای قطب شمال می باشند و نمی توانند مثل کشورهای ساحلی تأثیر چندان مهمی بر آن منطقه داشته و ادعای ارضی کنند. این کشورها بیشتر در زمینه تهدیدهای امنیتی نرم، تهدیدهای زیست محیطی و همکاری های بین المللی در ارتباط با قطب شمال فعالیت می کنند. چین، هند و کره

نفتی بزرگ در آن منطقه می باشد. دلیل دیگر آن نیز وجود راه های ارتباطی آبی در صورت ذوب شدن یخ های قطبی می باشد. (Grätz, 2012, p 2) روسیه و کانادا ضمن آنکه مایل هستند از حضور بالقوه هر نیروی خارجی جلوگیری نموده و به حل و فصل اختلافات احتمالی بپردازند، ادعاهایی نسبت به سرزمین مذکور مطرح ساخته اند. هر دو کشور به اصل تعدید یافته مجاورت و همجواری استناد می کنند، (اصلی که به موجب آن دولت متصرف می تواند متعرض سرزمین هایی شود که از لحاظ جغرافیایی به منطقه تحت استقرار آن وابسته است)؛ یعنی، اصل قطاع دایره^۱. به موجب این اصل تمام سرزمینی که در درون مثلثی بین منتهی الیه غربی - شرقی دولت مجاور قطب قرار گرفته است و همچنین خود قطب باید سرزمین آن دولت تلقی شود، مگر اینکه دولتی دیگر قبلاً مالکیت خود را بر آن منطقه تثبیت و مستقر ساخته باشد. روسیه و کانادا هر دو مدعی حاکمیت بر بخش هایی وسیع در منطقه قطب شمال هستند. دولت کانادا در سپتامبر ۱۹۸۵ قصد خود را جهت تعدیل خط مبدا مستقیم در اطراف مجمع الجزایر واقع در قطب شمال از ۶۰ درجه شرقی عرض جغرافیایی گرفته تا دریای بوفورت واقع در غرب را اعلام نمود و بدین وسیله تمامی آب های محصور که شامل خلیج هودسن و چندین گذرگاه شمال غربی می شود از ژانویه ۱۹۸۶ در زمره سرزمین کانادا به شمار آمدند. هر چند اقدام دولت کانادا با تایید ایالات متحده آمریکا مواجه نشد، اما در سال ۱۹۸۸ موافقتنامه ای راجع به همکاری در قطب بین دو کشور موزور منعقد شد که مقرر می دارد یخ شکن های آمریکایی و سایر کشتی هایی که قصد عبور از گذرگاه شمال غربی را دارند باید از دولت کانادا مجوز بگیرند. ایالات متحده و سایر دولت های واقع در قطب شمال از اصل قطاع دایره استفاده نموده اند. مجادله عمده در مورد ادعاهای مطرحه نسبت به قطب شمال این است که آنچه در اعماق مناطق منجمد قرار دارد، جزء دریای آزاد است نه زمین و از این رو قابل تملک ملی به شمار نمی آید. (والاس، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵) در کل، مناطق مورد مناقشه قطب شمال عبارت اند از: جزایر هانس بین دانمارک و کانادا، صخره های آلاسکا تا منطقه سیبری تنگه برینگ بین آمریکا و روسیه^۲، دریای بارتنتز بین نروژ و روسیه و دریای بوفورت بین آمریکا و کانادا.

۲-۲- ادعای ارضی کشورهای غیر ساحلی در قطب شمال

کشورهای فنلاند، سوئد و ایسلند با قطب شمال مرز مستقیمی ندارند ولی به دلیل قرابت جغرافیایی در حال حاضر عضو شورای قطب شمال هستند. (Kullik, 2012) علاوه بر این کشورهای دیگری نیز هستند که علاقه خود را برای حضور در منطقه قطب شمال ابراز کرده اند. به طور خاص اتحادیه اروپا علاقه خود را برای حضور در منطقه قطب شمال از طریق گفتگوهای مختلف اعلام کرده است. کشورهای دیگری همچون چین در حال حاضر در قطب شمال تحقیقات گسترده ای انجام می دهند. روز ۲۶ ژانویه ۲۰۱۸ چین رسماً بیانیه ای صادر کرد که در آن سیاست هایش پیرامون قطب شمال اعلام شده بود. این بیانیه مواضع رسمی کشور چین را نسبت به قطب شمال اظهار می کرد

^۲ The Silk Road Economic Belt and the 21st Century Maritime Silk Road, <https://www.fbcigroup.com>

^۴ Nuclear Tests (New Zealand v. Fr.), Judgment, 1974 I.C.J. Rep. 457 (Dec. 20); Nuclear Tests (Austl. v. Fr.), 1974 I.C.J. Rep. 253 (Dec. 20) [hereinafter ICJ Judgments]

^۱ The sector theory

این اصل بر مبنای اصول امتداد و پیوستگی زمین شناسی شکل گرفته است.

^۲ ایالات متحده و روسیه در سال ۱۹۹۰ توافقنامه ای در مورد دریای برینگ به امضا رساندند که مجلس سنای آمریکا این پیمان را در سال بعد تصویب کرد اما دوماً روسیه آن را تصویب نکرده است.

انگیزه اصلی کشورهای ساحلی برای ایجاد قلمرو دفاعی و نظامی بود. اما ایجاد قلمرو در بستر دریا که موجب شد منطقه ای به نام فلات قاره به وجود آید که ناشی از انگیزه های اقتصادی بود. (Mirheydar, 2007, p 3) همچنین ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو حق حاکمیت کشور ساحلی را بر فلات قاره تأکید داشته است. دیوان بین المللی دادگستری نیز در سال ۱۹۶۹ در قضیه فلات قاره دریای شمال حق دولت ساحلی بر فلات قاره و صلاحیت حکمرانی بر آن را به صورت بالفعل ابراز داشته است. (Nich, 2015) نروژ در سال ۲۰۰۶، کانادا در سال ۲۰۱۳ و دانمارک در سال ۲۰۱۴ بر توسعه فلات قاره خود تأکید کرده اند. روسیه نیز اولین کشور در بین همه کشورها بود که در سال ۲۰۰۱ به این موضوع تأکید کرده است. (Ebinger, 2009, p 1226) این کشورها باید با ارائه مستندات حقوقی خود در مقابل کمیسیون سازمان ملل راجع به تحدید حدود فلات قاره^۴ از ادعاهای خود دفاع کنند. همانطور که در مطالب پیشین ذکر گردید به لحاظ علمی اگر سرزمین مورد ادعای خود را در امتداد طبیعی یا امتداد خشکی فلات قاره اثبات کنند می توانند تا ۳۵۰ مایل دریایی فلات قاره خود را گسترش دهند. (Yücel Acer, 2010, p 167) قلمروهای دریایی در واقع تداوم قلمروهای خشکی در زیر آب هستند که بر اساس اصول و قواعد حاکم بر روابط بین الملل در محیط دریا شکل می گیرند. ماهیت سیال آب، وجود عوامل و عناصر دریایی و پایبندی به قواعد حقوق بین الملل دریا و اعتقاد به اصل آزادی در دریا در این تأخیر دست داشته اند و قلمروسازی در دریا را تحت تأثیر قرار داده اند. (Mirheydar, 2007, pp 2-3) کانادا در سال ۲۰۱۳ از قصد خود مبنی بر توسعه فلات قاره قطب شمال مطابق کمیسیون سازمان ملل راجع به فلات قاره خبر داد. اگر کانادا این موضوع را اعمال و عملی کند، به اندازه یک میلیون و دویست هزار متر مربع صاحب منطقه انحصاری و اقتصادی خواهد بود. روسیه نیز در مقابل در این منطقه بر کوه های لومونوسوف که دارای منابع هیدروکربنی می باشد، دست گذاشته است. در این میان کانادا برای نشان دادن عزم خود برای بهره برداری و حکمرانی بر این منطقه، هر ساله به صورت منظم، مانور نظامی نانوک^۵ را برگزار می کند. نروژ به عنوان یکی از

جنوبی نیز در زمینه مواد خام در قطب شمال فعال هستند و سعی در گسترش دامنه فعالیت های خود در این زمینه می باشند. بدین دلیل است که این کشورها در حال تحقیق و بررسی برای ساخت کشتی های یخچال شکن برای استخراج این منابع در قطب شمال با همکاری یکدیگر هستند. (Aleš, 2009) اتحادیه اروپا و چین با استناد به ماده ۵۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها خواستار آزادی دریانوردی و کابل و لوله گذاری در زیر دریاها را در منطقه قطب شمال هستند. همچنین این کشورها خواستار بین المللی شدن تنگه های منتهی به دریاهای آزاد و عبور و مرور آزادانه و بی ضرر از آن ها شده اند. ولی کانادا با طرح مسائلی چون تروریسم، مهاجرت غیرقانونی و احتمال بیشتر شدن جرایم بین المللی با خواسته این کشورها مخالفت کرده است. (Vardaryıldızç, 2012, pp 43-45) پارلمان اروپا سندی با عنوان ((اتحادیه اروپا و قطب شمال)) ارائه داده است. اگرچه اتحادیه اروپا یکی از نزدیکان تازه وارد به قطب شمال می باشد اما قطعاً دارای نقشی مشروع برای بازی می باشد. چراکه دانمارک سهم عمده ای از قطب شمال را دارا می باشد و به همین ترتیب نروژ و ایسلند که هر دو بخشی از منطقه اقتصادی اروپا می باشند. علاوه بر این اتحادیه اروپا همکاری های استراتژیک با آمریکا، کانادا و روسیه دارد. مهمترین علت دخالت اتحادیه اروپا در قطب شمال این است که کشورهای عضو اتحادیه وابسته به واردات انرژی هستند. (Nopens, 2010, p 8) لازم به ذکر می باشد که در این میان چین، کره جنوبی، ژاپن و هندوستان نیز در این منطقه با انجام تحقیقات علمی فعالیت نموده و از لزوم آزادی همه کشورها برای ورود به این منطقه و انجام فعالیت های بشردوستانه و شناسایی قطب شمال به عنوان میراث مشترک بشریت سخن گفته اند. (Ebinger, 2009, pp 1222-1223) سخنی که بعید است کشورهای ساحلی به راحتی آن را قبول و از منافع خود به نفع بشریت بگذرند.



شکل ۱ - کشورهای مدعی ارضی در قطب شمال^۱

۳-۳- فلات قاره قطب شمال

یکی از مسائل مهم قطب شمال وضعیت فلات قاره^۲ قطب شمال می باشد. فلات قاره جزء قلمروهای دریایی محسوب می شود. در ابتدا

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرر می کند: فلات قاره دولت ساحلی متشکل از بستر و زیر بستر مناطق زیر آب در ماورای دریای سرزمینی، در امتداد دامنه طبیعی قلمرو زمینی کشور تا لبه بیرونی حاشیه قاره؛ یا در مواردی که لبه بیرونی تا این مسافت نباشد تا مسافت ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط مبدا که برای تعیین عرض دریای سرزمینی استفاده می شود.

۳. Ipso facto

۴. این کمیسیون از ۲۱ نماینده تشکیل یافته است که برای ۵ سال انتخاب می شوند. کشورهای محصور در خشکی در این کمیسیون نماینده ندارند. این کمیسیون دو جلسه در سال برگزار می کند که هر کدام از آنها ۵ تا ۶ هفته طول می کشد. این کمیسیون بر اساس ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها عمل می کند. بر اساس ماده ۷۶ کشورهای ساحلی حق دارند ادعای فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی فلات قاره داشته باشند به شرطی که با کشورهای همسایه تداخل نداشته باشد و محاسبات دقیق ارضی و نقشه برداری دقیق از کف دریا یا اقیانوس صورت گرفته باشد. از طرف دیگر چنانچه کشورهای ساحلی قطب شمال بتوانند محدوده فلات قاره خود را گسترش و به تصویب کمیسیون تحدید حدود فلات قاره برسانند بقیه قطب شمال به منطقه میراث مشترک بشریت تعلق می گیرد که به همه کشورهای جهان تعلق دارد و بهره برداری از منابع طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ می باشد، که این امر زمینه ساز منازعات شدیدی در منطقه می باشد. (غلامی، و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۷)

۱. www.scilog.de

۲. Continental shelf

۵ Nanook

وضعیت حقوقی که برای منطقه قطب شمال شناسایی شده است معرفی این منطقه به عنوان دریا و در نتیجه زیر نظر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای می باشد. قطب شمال یک دریای آزاد می باشد که کشورهای ساحلی آن تنها می توانند بر اساس کنوانسیون حقوق بین الملل دریاهای قلمروسازی و افزایش قلمروهای دریایی خود بپردازند. همه کشورهای ساحلی قطب شمال به جز آمریکا عضو کنوانسیون حقوق بین الملل دریاهای ۱۹۸۲ هستند. آمریکا این کنوانسیون را به امضا رسانده است اما آن را تصویب نکرده است. بنابراین تا زمانی که این کنوانسیون را به تصویب نرساند، نمی تواند ادعاهای خود را به کمیسیون تعیین حدود فلات قاره تحویل بدهد. (Nopens, 2010, p 6) این کنوانسیون می تواند با قواعدی که در مورد دریاهای آزاد ارائه داده است، نقش مهمی را در حل معضلات و اختلافات سرزمینی دولت ها در قطب شمال ارائه دهد. در عین حال بر اساس ماده ۲۳۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای ساحلی در اقیانوس منجمد شمالی حق دارند در موارد خاصی مانند وجود تکه های عظیم یخ یا شرایط آب و هوایی ویژه، در مناطق دریایی خود محدودیت های بیشتری اعمال کنند. (جناب زاده، ۱۳۹۵) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای سه نهاد جدیدی را ارائه داده است که می تواند در مورد منطقه قطب شمال کارساز باشد: دادگاه بین المللی حقوق دریاهای، سازمان بین المللی دریانوردی و کمیسیون تعیین حدود فلات قاره. کشورهای روسیه، نروژ، کانادا و آمریکا در سال ۲۰۰۸ با قبول بیانیه ایلیولیسات^۲ متعهد شده اند طبق حقوق بین الملل دریاهای عمل کنند. (Gebhardt and Ingenfeld, 2011, p 26) این اعلامیه کشورهای ساحلی را ملزم می کند تا اختلافات ارضی خود را مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای حل و فصل کنند. (Grätz, 2012, p 2) البته برخی از کشورهای حاشیه قطب شمال با حل این اختلافات از طریق حکمیت هیئتی از سازمان ملل موافقت کرده اند. (Loukacheva, 2010, p 18) پس بنابراین کشورهای ساحلی قطب شمال مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تا ۲۰۰ مایل دریایی^۳ می توانند منطقه انحصاری اقتصادی داشته باشند. مطابق این کنوانسیون اگر کشورها می خواهند بیش از ۲۰۰ مایل دریایی منطقه انحصاری اقتصادی داشته باشند، باید اثبات کنند که فلات قاره آن ها در زیر دریا بیش از ۲۰۰ مایل دریایی امتداد دارد (Quaile, 2013) که در این صورت می توانند (فقط) تا ۳۵۰ مایل دریایی منطقه انحصاری اقتصادی داشته باشند. (Kruse, 2008)

۲- شورای قطب شمال

نهاد دیگری که می تواند در حل مشکلات قطب شمال موثر واقع شود، شورای قطب شمال است. این شورا در سال ۱۹۹۶ به عنوان سازمانی بین المللی تشکیل شد. این شورا در جامعه جهانی به عنوان منطقه ای مجزا از سایر مناطق در شمال کره زمین شناخته شد. همچنین شورا در بین ۸ کشور ساحلی به صورت منطقه ای (بین الدولی) با یکدیگر همکاری مستمری دارند. این کشورها شامل کشورهای نوردیک (نروژ،

کشورهای ساحلی قطب شمال درصدد توسعه سهم ۲۰۰ مایلی خود در فلات قاره می باشد. نروژ در این توسعه طلبی ارضی خود خواهان قسمت شمال شرقی اقیانوس اطلس و اقیانوس منجمد شمالی می باشد. (Alp yüce, 2015) در این محدوده نیز روسیه خواهان دریای بارنتز نیز می باشد. این دریا از نظر اقتصادی و صید دریایی منطقه ای مهم محسوب می شود. چراکه دریای بارنتز به عنوان منطقه ای که گاز طبیعی و نفت آینده را تامین خواهد نمود، در نظر گرفته می شود. دانمارک نیز در طی تحقیقات و جستجوهای ده ساله خود کوه لومونوس در زیر دریا را به عنوان امتداد فلات قاره گرینلند اثبات کرده که با هدف توسعه فلات قاره خود به کمیسیون تعیین حدود فلات قاره استناد نموده است. این منطقه در حدود ۸۹۵ هزار کیلومتر مربع می باشد یعنی تقریباً ۳ برابر مساحت کل کشور دانمارک. (Lars Kullerud, 2002) ایالات متحده نیز چندان فعالیت چشمگیری در ارتباط با توسعه فلات قاره در آلاسکا انجام نداده است و اگر هم فعالیتی در این زمینه داشته باشد خود را از مرکز توجهات جهانی دور نگه داشته است. بنا به اذعان مقامات آمریکا، این کشور تحرکات و فعالیت های نظامی روسیه را از نزدیک دنبال می کند و هر از گاهی به فعالیت های نظامی روسیه در اقیانوس منجمد شمالی واکنش نشان می دهد. (Alp yüce, 2015) از دیگر اختلافات موجود بر سر فلات قاره در قطب شمال می توان به مشاجره مربوط به فلات قاره سوالبارد (واقع در نروژ) اشاره کرد. در واقع معاهده مربوط به مجمع الجزایر اسپیتز برگن در ۹ فوریه ۱۹۲۰ حاکمیت را به نروژ داده است. اما شرکای هم پیمان نروژ با حقوق برابر به بهره برداری از منابع آن می پردازند. نروژ ادعا می کند که پیمان تنها به زمین و دریای سرزمینی سوالبارد اشاره دارد نه به منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره. اما روسیه به پوشش تمام مناطق مربوط به سوالبارد اداره می کند. در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۶ نروژ ادعای خود را برای گسترش منطقه انحصاری اقتصادی در چاله لوب در حوزه نانسن غربی و چاله بنانا به کمیسیون تعیین حدود فلات قاره تحویل داد. در مارس ۲۰۰۹ این استراتژی دوباره با عنوان ((ساخت بلوک های جدید در شمال)) انتشار یافت. این کشور تاکید می کند که حقوق بین الملل و کنوانسیون حقوق بین الملل دریاهای همه قوانین لازم برای حل مسائل در آینده را فراهم می کنند.

۱- وضعیت حقوقی قطب شمال

وضعیت حقوقی امروز قطب شمال مشابه فرآیند قرن بیستمی قطب جنوب و مرزبندی این منطقه توسط کشورهای مدعی می باشد. ولی با این حال قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ به امضا رسید و در سال ۱۹۶۱ به مرحله اجرا رسید. در حالی که قطب شمال از چنین وضعیت حقوقی برخوردار نیست و تا به حال توافقی در این زمینه به وجود نیامده است. به وجود آوردن چنین وضعیت حقوقی در سطح گفتمان و مباحثات علمی در محافل آکادمیک جریان دارد و در سطح بین المللی نیز سیاستمداران گاهی گریزی به این مسئله می زنند و از ضرورت وجود چنین توافقی سخن می گویند. (Loukacheva, 2010, p 13) وضعیت حقوقی قطب شمال در عرصه حقوق بین الملل معاصر، وضعیتی متفاوت و (البته نه چندان پایدار) از قطب جنوب می باشد. تنها

۲. این بیانیه در تاریخ ۲۸ مه ۲۰۰۸ توسط پنج کشور ساحلی اقیانوس شمال قطب (ایالات متحده، روسیه، کانادا، نروژ و پادشاهی دانمارک) اعلام شد. در این دیدارها به بحث در مورد اقیانوس منجمد شمالی، تغییرات آب و هوایی، حفاظت از محیط دریایی، ایمنی دریایی و تقسیم مسئولیت های اضطراری در صورت باز شدن مسیرهای جدید حمل و نقل پرداخته شد. (English Wikipedia, Ilulissat Declaration)
 ۳. هر مایل دریایی برابر است با ۱۸۵۲ کیلومتر

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: رامین نیا، مژگان، رافی، سید احمد، (بررسی نظام معاهده ای قطب جنوب با تاکید بر حفظ محیط زیست و حاکمیت بر آن منطقه)، فصلنامه حقوق محیط زیست دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۹۷

شمال می باشد. بیانیه این مسائل را خارج از صلاحیت و مسؤلیت شورای قطب شمال می داند.^{۱۰} دلایل آن هم شرط آمریکا برای عضویت در شورا می باشد که در صورت دخالت در مسائل امنیتی - نظامی قطب شمال، این کشور عضو شورا نخواهد شد. در سال ۲۰۱۳ سندی با نام چشم انداز قطب شمال از طرف شورای قطب شمال منتشر شد که در آن بر شناخت منطقه چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ آداب و رسوم و عرف بومیان آن منطقه و نیز بر تصمیم گیری در منطقه و اهمیت آن با توجه به این عوامل تاکید داشته است. در این سند اعضای دائمی و اعضای شرکت کننده بر صلح آمیز بودن فعالیت ها در منطقه، کافی بودن اعضا در حل مصائب و مشکلات و وابسته بودن به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای عنوان چارچوب قانونی حل این مسائل تاکید کرده اند.^{۱۱} از شورای قطب شمال نه یک سازمان بین المللی بلکه سازمان بین الدولی در قالب همکاری های غیر رسمی منطقه ای می توان یاد کرد. (Huebert, 1998, p 54) چرا که شورای قطب شمال از زمان تشکیل به هیچ وجه دارای صلاحیت و قدرت حقوقی نبوده است. از زمان تشکیل، شورا را به عنوان یک سازمانی که با تکیه بر مسائل علمی به کار ادامه می دهد، می شناسند. (Van Der Zwet, 2014, p 8) علاوه بر آن به دلیل اینکه شورای قطب شمال دارای ضمانت اجرای حقوقی نمی باشد، از نظر حقوق بین الملل، این سازمان دارای شخصیت حقوقی نمی باشد؛ به این دلیل قواعد و مقررات کاری شورا را خود تصویب و اجرا می کند. (Wilson, 2015, p 3) البته شورای قطب شمال بیشتر دارای ماهیت شکل دهی و اجرای تصمیمات را دارد به این دلیل از طرف بیشتر دولت ها و سازمان های بین المللی به عنوان سازمانی شناخته می شود که تصمیماتش دارای ضمانت حقوقی نیست. ولی سیر وقایع سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۳ این وضعیت را تغییر داد. هشت کشور ساحلی قطب شمال در سال ۲۰۱۱ توافق نامه همکاری هوایی و دریایی در جستجو و نجات قطب شمال^{۱۲} و در سال ۲۰۱۳ توافق نامه همکاری، آمادگی و واکنش به آلودگی نفتی دریایی در قطب شمال^{۱۳} به امضا رسید که هر دو دارای ضمانت اجرای حقوقی می باشند. (Rottem, 2015, p 54)

۳- قطب شمال و محیط زیست

در سال ۱۹۹۱ کشورهای واقع در قطب شمال که استراتژی حمایت از محیط زیست قطب شمال را پذیرفتند، موافقت نمودند تا حمایت زیست محیطی منطقه ای در قطب شمال را اعتلاء بخشند. هشت کشور واقع در قطب شمال این استراتژی را پذیرفته و متعهد شدند ضمن حمایت از فرهنگ های افراد بومی، از محیط زیست قطب شمال و توسعه پایدار و منصفانه آن نیز حمایت نمایند. در این استراتژی نفت، فلزات سنگین، سر و صدا و رادیو اکتیویته به عنوان آلاینده پایدار توصیف شده اند. در

سوئد، فنلاند، دانمارک (گرینلند) و ایسلند، کانادا، روسیه و ایالات متحده می باشد. (Keskitalo, 2007, p 193) مهم ترین موضوعات کاری مرتبط با قطب شمال در شورا، تمرکز بر مسائل جامع دریایی با تاکید بر توسعه پایدار می باشد. ولی این شورا در ارتباط با سازوکارهای حقوقی در مورد قطب جنوب، چه از نظر حقوقی و چه اداری قابل مقایسه با آن نمی باشد. (Nele Matz, 2009, p 241) در این شورا سه گونه عضویت مشخص شده است: ۱- عضویت دائمی ۲- اعضای شرکت کننده ۳- کشورهای ناظر. همچنین گروه های کاری با هدف کمک و تداوم فعالیت های شورا، گروه های تخصصی و گروه هایی با وظایف خاص. اعضای دائم هشت کشور ایالات متحده، کانادا، دانمارک، ایسلند، نروژ، سوئد، فنلاند و روسیه می باشد که غیر از این کشور ها به هیچ کشور دیگری حق عضویت دائم داده نمی شود. (Observer Manual For Subsidiary Body, 2013, p 4) با اینکه اعضای شرکت کننده دارای حق رای نیستند ولی می توانند در همه جلسات شورای قطب شمال دائما حضور داشته باشند. (Bloom, 1999, p 712) در مورد اعضای ناظر نیز باید گفت که وظیفه این اعضا نظارت بر عملکرد شورا بدون دارا بودن حق رای می باشد. دولت های غیر ساحلی منطقه قطب شمال، سازمان های بین الدولی جهانی و منطقه ای و سازمان های غیر دولتی می توانند به عنوان عضو ناظر در شورای قطب شمال فعالیت کنند.^۱ در سال ۱۹۹۸ در جلسه وزرای ایکالویت^۲ آلمان، هلند و لهستان^۳، در جلسه ۲۰۰۲ فرانسه^۴، در جلسه سال ۲۰۰۶ اسپانیا^۵ و در سال ۲۰۱۳ در جلسه کیرونا^۶ ایتالیا، چین، هندوستان، کره جنوبی، ژاپن و سنگاپور به عنوان عضو ناظر در شورای قطب شمال عضو شدند.^۷ در جهت حفظ محیط زیست، دولت های ساحلی قطب شمال در پی دیدارهای مختلفی که با هم داشتند، استراتژی حفاظت از محیط زیست قطب شمال^۸ را در سال ۱۹۹۱ امضا کردند. این استراتژی زمینه تشکیل شورای قطب شمال را فراهم نمود ولی این شورا با اعلامیه اتاوا در سال ۱۹۹۶ به وجود آمد.^۹ علاوه بر آن یکی از بزرگترین ویژگی های شورا تشکیل چهارچوب هایی است که به عنوان مکانیزم های مختلفی از نظر مدیریتی (و حاکمیتی) در منطقه شناخته می شوند. برای آن استثنا قائل شده است، مسائل مربوط به نظامی گری در قطب

^۱ . Ottawa Declaration, Ottawa, Ontario, Kanada.

<https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/85> adresinden 12 Aralık 2015 , Article 3

^۲ . Iqaluit

^۳ . Iqaluit Declaration. (1998). Ottawa, Canada.

<https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/86> , Article 3

^۴ . Inari Declaration. (2002). Finland.

<https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/88>, Article 13

^۵ . Salekhard Declaration. (2006). Russia.

<https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/90>

^۶ . Kiruna

^۷ . Kiruna Declaration. (2013). Kiruna, Sweden.

<https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/93>

^۸ . Arctic Environmental protection Strategy

^۹ . Observer Manual For Subsidiary Body. (2013). Kiruna, Sweden. <https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/939>

^{۱۰} . Ottawa Declaration, Ottawa, Ontario, Kanada.

<https://oaarchive.arctic council.org/handle/11374/85> adresinden 12 Aralık 2015 , Article 1

^{۱۱} . Vision for the Arctic. (15 Mayis 2013). Kiruna, Sweden.

https://oaarchive.arctic council.org/bitstream/handle/11374/287/MM08_Kiruna_Vision_for_the_Arctic_Final_f

^{۱۲} . Agreement on cooperation Aeronautical and Maritime Search and Rescue in the Arctic, 2011

^{۱۳} . Agreement on cooperation on Marine Oil Pollution Preparedness and Response in the Arctic, 2013

تمام این اسناد، معاهدات بین المللی حوزه حقوق بشر نیز به کمک ساکنین شمالگان می آیند تا زندگی دشواری آن ها را در این منطقه سردسیر تسهیل کنند. (جناب زاده، ۱۳۹۵) سیستم حکومت قطبی بر مبنای همکاری و کنوانسیون حقوق بین الملل دریاها می باشد که ضامن امنیت و ثبات آن منطقه است. کمیسیون اروپا سه هدف اصلی سیاسی دارد که همه جنبه های قطب شمال را به جز دفاع در دستور کار خود دارد که از جمله آنها که به محیط زیست ارتباط دارند عبارتند از: اول ... محیط زیست و تغییرات آب و هوایی، دوم تروریسم استفاده پایدار از منابع، هیدروکربن ها، شیلات سوم ... (Nopens, 2010, p 8) در واقع نگرانی های اصلی پیرامون قطب شمال بیشتر مربوط به مواردی از این قبیل می گردد: تغییرات آب و هوایی، نازک شدن صفحه های عظیم یخی و یخچال ها، افزایش روز افزون فعالیت های انسانی در مناطق دریایی شمالگان و مواردی من جمله خدمات اکوسیستمی. در اثر این نگرانی ها اسناد و معاهدات بین المللی متعددی تنظیم و امضا شده است که ((کنوانسیون سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوایی))^۴، ((پرتکل کیوتو یا پیمان کیوتو))^۵ و موافقتنامه پاریس از مهمترین این معاهدات محسوب می شوند و در بحث ها به این اسناد ارجاع می شود. تغییراتی که در قطب شمال رخ می دهد در تمام سطح زمین اثرگذار است. به عنوان مثال می توان به بادهای سردی اشاره کرد که از قطب شمال به عرض های جنوبی تر کره زمین نفوذ می کنند و سبب بروز زمستان های بسیار شدید و سخت می شوند. (جناب زاده، ۱۳۹۵)

نتیجه گیری

یکی از مناطق انحصاری جهان و منطقه ای که حاکمیت مشخص و قانونی بر آن صورت نمی گیرد، قطب شمال می باشد که وضعیت آن توسط قوانین و حقوق بین الملل تا به امروز به صورت مشخص معلوم نشده است. ولی در عرصه بین المللی کم و بیش این منطقه را از منظر حقوقی تابع کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها می دانند. این ناحیه که هنوز توافق یا معاهده خاصی درباره آن وضع نشده است همواره مستعد تنش و جدال بین کشورها به ویژه کشورهای ساحلی بوده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به صورت کامل نمی تواند خلا موجود در قطب شمال را پر کند ولی با این حال می توان با همکاری های بین دولت ها، خلا های آن را پر نمود. در این راستا شورای قطب شمال نیز می تواند در کنار وظایف خود از جمله حفظ پوشش اکولوژیکی منطقه و حل و فصل اختلافات و تنش های بین دولت ها، خلا های موجود را جبران نماید. برای تحقق این امر گسترش قلمرو صلاحیت و سازماندهی بهتر این شورا لازم است. ولی علی رغم موثر بودن شورای قطب شمال با توجه وضعیت جغرافیایی خاص این منطقه، حل دائمی مسائل و مشکلات آن باید با معاهده ای مستقل و جامعی برای این منطقه میسر می شود. معاهده ای که با لحاظ ویژگی های خاص جغرافیایی منطقه و ارائه راهکار جامع و دائمی شامل آزادی تجارت، عبور و مرور آزاد، حفاظت از پوشش گیاهی و جانوری منطقه، معرفی به عنوان منطقه آزاد و مشترک برای همه ملت ها، بهره برداری اشتراکی از منابع، مشخص نمودن وضعیت حقوقی و اختلافات ارضی و سرزمینی کشورهای ساحلی، منع حضور نظامی کشورها، حل مسائل

همین راستا در سال ۱۹۹۱ برنامه مراقبتی و ارزیابی قطب شمال جهت ارتقای بیشتر تحقیق و همکاری، تهیه و تنظیم شده است. در مورد موضوعاتی که اقدام در مورد آنان ضروری تلقی شده؛ یعنی حفظ حیات جانوران و گیاهان در قطب شمال، گروهی کاری از سال ۱۹۹۲ و برای حمایت از محیط زیست دریایی قطب شمال از سال ۱۹۹۴ مشغول فعالیت شده اند. متعاقب برگزاری اجلاس وزیران برای بررسی محیط زیست قطب شمال، اعلامیه **ناک** راجع به محیط زیست و توسعه در قطب شمال در سال ۱۹۹۳ تصویب شد. اعلامیه مزبور اساسا بر اصول تثبیت شده در استراتژی حمایت از محیط زیست قطب شمال تاکید نموده اما بر ضرورت همکاری بیشتر در ارتباط با آلودگی دریایی قطب شمال و لزوم اتخاذ اقدامات مؤثر داخلی تاکید بسیار داشته است. اعلامیه آلتا نیز درباره استراتژی حمایت از محیط زیست قطب شمال در سال ۱۹۹۷ تصویب شد و مجددا بر اهمیت همکاری میان کشورهای واقع در قطب شمال تاکید نمود. متعاقبا استراتژی حمایت از محیط زیست به وسیله شورای قطب شمال مورد بحث قرار گرفت. در حال حاضر شورا مسئولیت توسعه فعالیت هایی که به واسطه استراتژی حمایت از محیط زیست قطب شمال آغاز شده را به عهده دارد. شورا نخستین اجلاس خود را در سطح وزرا در ایکالوایت کانادا در سال ۱۹۹۸ برگزار نمود. در آن اجلاس اعلامیه راجع به ارتقای همکاری، مشارکت و روابط بین کشورهای واقع در قطب شمال به تصویب رسید. در این اعلامیه به لزوم دخالت دادن گروه های بومی قطب شمال در موضوعات مشترک منطقه، نظیر توسعه پایدار و حمایت از محیط زیست تاکید نهاده شد. (والاس، ۱۳۹۴، صص ۱۶۶-۱۶۷) کشورهای ساحلی منطقه شمالگان، کنوانسیون حقوق دریاها را مرجع قانونی اصلی و اولیه برای تعیین چارچوب امور مربوط به شمالگان می دانند.^۱ با این حال اسناد قانونی بین المللی دیگری نیز وجود دارند که می توان از آن ها برای استخراج قواعد و مقررات مرتبط با اموری چون حمل و نقل، مدیریت منابع و محافظت از محیط زیست دریایی در شمالگان استفاده کرد. از جمله این اسناد می توان به ((دستورالعمل قطبی)) اشاره کرد که از ژانویه سال ۲۰۱۷ لازم الاجرا گردید و شامل قواعدی پیرامون امنیت فعالیت های کشتی ها و حفظ محیط زیست دریایی در شمالگان می گردد. در نوامبر همان سال تعداد نه کشور (پنج کشور ساحلی قطب شمال و ۴ کشور دیگر شامل چین، ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی به همراه اتحادیه اروپا) توافق نامه ای امضا کردند که بر اساس آن ماهیگیری بی قاعده و بیش از حد مجاز در بخش مرکزی اقیانوس منجمد شمالی حداقل برای ۱۶ سال آینده ممنوع گردید.^۲ در کنار مقررات بین المللی، مقررات منطقه ای دیگری مخصوص شمالگان نیز وجود دارد که قواعد همکاری در تحقیقات علمی، پیشگیری از آلودگی نفتی و عملیات های اکتشافی و امداد و نجات تعیین می کنند.^۳ در کنار

¹ . The Ilulissat Declaration (May 28, 2008), http://www.oceanlaw.org/downloads/arctic/Ilulissat_Declaration.pdf

² . Meeting on High Seas Fisheries in the Central Arctic Ocean, Washington, D.C., Chairman's statement (Nov. 28 30, 2017), <https://www.state.gov/e/oes/ocns/opa/rls/276136.htm>

³ . Agreement on Enhancing International Arctic Scientific Cooperation (2017), Agreement on Cooperation on Marine Oil Pollution Preparedness and Response in the Arctic (2013), Agreement on Cooperation on Aeronautical and Maritime Search and Rescue in the Arctic (2011)

⁴ . United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

⁵ . Kyoto Protocol

همین دلیل است که نیاز به رژیم حقوقی و یا معاهده خاص این منطقه برای اداره مشترک و حل مشکلات آن احساس می شود. البته این معاهده می تواند زیر نظر سازمان ملل و با مشاوره و ارائه راهکار توسط شورای قطب شمال و با لحاظ نمودن برخی قواعد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها باشد. در نهایت رژیم حقوقی قطب شمال یا معاهده جامع قطب شمال می تواند نقطه پایانی بر این مشکلات و معضلات پیش آمده در این منطقه باشد.

مربوط به فلات قاره قطب شمال و رعایت حقوق انسانی جوامع بومی منطقه و اداره آن توسط آنها و ... می تواند بخش بزرگی از مسائل آن را حل و فصل و مانع از اختلافات و بروز تنش های گسترده منطقه ای و بین المللی شود. این راهکار باید شامل دو قسمت قبل از ذوب شدن یخ های قطبی و بعد از ذوب شدن یخ های قطبی شود. چون در حال حاضر یخ های قطبی این منطقه ذوب نشده و نمی توان به عنوان دریای آزاد مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در نظر گرفت. به

جدول ۱ - اعضای شورای قطب شمال در یک نگاه

اعضای دائمی	اعضای شرکت کننده	اعضای ناظر	گروه های کاری	سایر
ایالات متحده روسیه کانادا نروژ سوئد فنلاند دانمارک ایسلند	کنفرانس زیست محیطی اینویت قطب شمال	آلمان	برنامه اقدامات برای جمع آوری زباله های قطب شمال (ACAP)	گروه های تخصصی
	شورای سامی	لهستان	برنامه کنترل و نظارت بر قطب شمال منضم به اعلامیه اتاوا (AMAP)	گروه هایی با وظایف خاص
	انجمن روسی جمعیت بومی شرق دور سیبری	بریتانیا	حفاظت از گیاهان و جانوران قطب شمال (CAFF)	
	انجمن آلتوت	فرانسه	آمادگی، پیشگیری و مقابله با موارد اضطراری (EPPR)	
	شورای آتاباسکان های قطب شمال	اسپانیا	حفاظت از محیط زیست دریایی قطب شمال (PAME)	
	شورای بین المللی گوینچین ^۱	ایتالیا	گروه کاری توسعه پایدار (SDWG)	
		چین		
	هندوستان			
	کره جنوبی			
	ژاپن			
	سنگاپور			

منابع

- جناب زاده، علی اکبر، ۱۳۹۵، ((واکاوی حقوقی بیانیه(اوراق سفید) اخیر چین پیرامون قطب شمال در پرتو حقوق بین الملل: آیا چین بر شمالگان قدم خواهد گذاشت؟))، قابل دسترس در سایت: www.intllaw.ir
- غلامی، بهادر و دیگران، ۱۳۹۳، ((تغییرات اقلیمی و چالش های ژئوپلیتیکی قطب شمال))، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره سوم، پاییز.
- والاس، ربکا؛ مارتین ارتگا، الگا؛ ۱۳۹۴، ترجمه زمانی، قاسم و بهراملو، مهناز؛ حقوق بین الملل، تهران، چاپ پنجم، انتشارات شهر دانش.
- Akçadağ Eş, (2010). Arktika`da Güç Mücadelesi: www.bilgesamşorg.tr
- Aleš Weingerl (2009), Definition of Unilateral Acts of States, European Society of International Law, available at www.esil-sedi.eu
- Alp yüce kavas, (2017), "Rusya`nın Arktik politikası ve Türkiye", <http://www.bilgesam.org>
- Bloom, E. (1999). Establishment of the Arctic Council. The American Journal of International Law, 93(3) July
- Conley, H., vd. (2012). A New Security Architecture for the Arctic. Center for Strategic and International Studies. Washington.
- Danimarka Kuzey Kutbu`ndan Hak iddia Ediyor, Euronews 16 Aralık 2014. <http://treuronews.com>
- Dodds, Klaus (2010); Flag planting and finger pointing: The law of the sea, the Arctic and the political geographies of the outer continental shelf, political geography 29, 63e73
- Ebinger, Zambetakis, "The Geo politic of Arctic Melt"

^۱. Gwinch`in

- Gebhardt, H. and Ingenfeld, E. (2011). Die Arktis im Fokus geoökonomischer und geopolitischer Interessen . Geographische Rundschau, V(63)
- Gorenburg , Dmitry (2011); Russia`s Arctic security Strategy, Russian analytical digest, No. 96
- Grätz,J. (2012). The Arctic: thaw with conflict potential. CSS Analysis in security policy, ETH Zurich, V (118)
- Gunitskiy, Vsevolod (2008). On thin Ice: Water Rights And Resource Disputes in The Arctic Ocean. Journal of international Affairs , Spring/Summer 2008,V(61)
- Huebert, R. (1998). New Directions in Circumpolar Cooperation: Canada, the Arctic Environmental Protection Strategy and the Arctic Council. Canadian Foreign Policy Journal, 5(2)
- Humrich, Christoph (2011). Ressourcenkonflikt, Recht und Regieren in der Arktis. Aus Politik und Zeitgeschichte, V(5-6)
- Inari Declaration. (9-10 Ekim 2002). Finland. <https://oaarchive.arctic>
- Iqaluit Declaration. (17-18 Eylül 1998). Ottawa, Canada. <https://oaarchive.arcticcouncil.org>
- Isted, Kathryn (2009). Sovereignty in the Arctic : an Analysis of territorial Disputes & Environmental policy Consideration. Journal of Transnational Law & policy , V (18) / Kefferpütz,R and Bochkarev, D (2009). Wettlauf um die Arktis:Empfehlungen an die EU. Brüssel : Heinrich böll Stiftung
- Kefferpütz,R (2010). On thin ice? (Mis) interpreting Russian policy in the high north. Ceps Policy Brief 2010, V(205)
- Kefferpütz,R and Bochkarev, D (2009). Wettlauf um die Arktis:Empfehlungen an die EU. Brüssel : Heinrich böll Stiftung
- Keskitalo, Carina (2007). International Region – Building: Development of the Arctic as an International Region. Cooperation and Conflict 2007, V (42).
- Kiruna Declaration. (15 Mayıs 2013). Kiruna, Sweden. <https://oaarchive.arctic>
- Kruse,Von Niels (2008).Wem gehört die Arktis? , 09,03,2013, <http://www.stern.de>
- Kullik,J. (2012). Konflikt oder cooperation? 16.03.2013, <http://www.if-zeitschrift.de>
- Lars Kullerud, Nils Raestad, “Oil and Gas Resources in the Barents sea”, <http://www.grida.no>
- Loukacheva, Natalia (2010). Polar Law Textbook. Denmark: Tema-Nord
- Meeting on High Seas Fisheries in the Central Arctic Ocean, Washington, D.C., Chairman’s statement (Nov. 28–۳۰, ۲۰۱۷, <https://www.state.gov>
- Mirheydar, Dorreh;Rasti, Oman;Amiri, Alidoost;Eltiaminia, Reza & Soltani, Naser (2007); The Recent Trend of Territoriality in the persian gulf, Geopolitics Quarterly , No.1, Tehran [in Persian]
- Nele Matz – Lück (2009). Planting the flag in Arctic waters:Russia`s Claim to the North Pole . Göttingen Journal of International law, V(1)
- Nich Amies (2015), “Kuzey Kutup İçin Büyük mücadele”, Çevirenİ Julide Danışman <http://www.dw.de>
- Nopens, Patrick (2010); The impact of global warming on the geopolitics of the Arctic. A Historical Opportunity for Russia , EGMONT Royal Institute for international relations
- Nuclear Tests (New Zealand v. Fr.), Judgment, 1974 I.C.J. Rep. 457 (Dec. 20); Nuclear Tests (Austl. v. Fr.), 1974 I.C.J. Rep. 253 (Dec. 20) [hereinafter ICJ Judgments]
- Observer Manual For Subsidiary Body. (2013). Kiruna, Sweden. <https://oaarchive.arcticcouncil.org>
- Ottawa Declaration, Ottawa, Ontario, Kanada. <https://oaarchive.arctic>
- Quaile, I. (2013) Klimawandel: Streit um arktische Reserven. 07/03/2013, www.dw.de
- Rottem, S. V. (2015). A Note on the Arctic Council Agreements. Ocean Development and International Law, 46(1)
- Rourke, Ronald O. (2012); Changes in the Arctic: Background and Issues for Congress, Congressional Research Service. From: www.crs.gov
- Salekhard Declaration. (26 Ekim 2006). Russia. <https://oaarchive.arctic>
- Sinem Vardaryıldızç (2012), “Küresel Isınma Yeni Jeopolitik Savaşların Habercisi”, Usak Analist Dergisi, Sayı116 Haziran
- Sommerkorn, Martin & Hassol, Susan Joy (2010); arctic climate feedbacks: global Retrieved 14/01/2012 Available at: [implication awsassets.panda.org/downloads/wwf_feedbacks_report.pdf](http://implication.awsassets.panda.org/downloads/wwf_feedbacks_report.pdf)
- Stephani, S. (2010). Die Arktis im (klima-)Wandel:Europas Norden. Projektbericht, V(11)

- The Silk Road Economic Belt and the 21st Century Maritime Silk Road, <https://www.fbicgroup.com>.
- Van Der Zwet, A., Bachtler, J. ve McMaster, I. (2014). Arctic Connections: Mapping Regional Cooperation in the Arctic. EPRC, University of Strathclyde Glasgow
- Vision for the Arctic. (2013). Kiruna, Sweden. <https://oaarchive.arcticcouncil.org>
- Wilson, P. (2015). Society, Steward or Security Actor? Three Visions of the Arctic Council. Cooperation and Conflict, 1(20)
- Winkelmann, I. (2007). Wem gehört die Arktis?. SWP – Aktuel, V(59)
- Yücel Acer, İbrahim Kaya (2010), “Uluslararası Hukuk Temel Ders kitabı”, Usak Yayınlar, Ankara

The Political, Legal and Environmental Importance of the Arctic Region and Its Governance by the Arctic Council in the Framework of International Law

Seyyed Ahmad Rasi¹

1 -Researcher and PhD student in Public International Law, Faculty of Law, Islamic Azad University Of Central Tehran Branch

*Email Address: seyyidahmadrasi1994@yahoo.com

Abstract

Introduction

According to the historical course of this region, the North Pole was claimed in 1909 by Canada and in 1924 by the United States of America. Then the Soviet Union also continued this process and made a territorial claim in this region due to its geographical proximity. It was at this time that this country seized the Bering Strait and the Kola Peninsula. Since 1930, this area has been considered from a military point of view. For example, Canada and the United States implemented defense-oriented plans under the pretext of an all-out threat from the Russians. In the middle of World War II, the North Pole was a breeding ground for German and Russian submarines to advance their military goals. After the Second World War, at the height of the Cold War, the North Pole was also a place of dispute and became of strategic and military importance for the governments. With the escalation of these differences, the strategic importance of the region took on a political and security color. As mentioned, the melting of the ice in this region (due to global warming), the three basic and key points of security, easy access to sea routes (creating new waterways) and energy (oil and gas) became the subject of discussion and disagreement between governments. In fact, global warming has dramatically affected the Arctic region. By evaluating the climate effects of the North Pole in 2004, it can be concluded that the temperature of this region will increase by 4 to 7 degrees by the end of this century. At the same time as this study, another study was conducted and they came to the conclusion that by 2040 all the Arctic glaciers will melt. However, with the intensification of the global warming crisis and the disregard of world powers to this issue (including the United States), the process of ice melting is taking place at a faster rate. According to their capabilities, countries are trying to prove their sovereignty over the Arctic region and protect their interests in that region. Especially Russia's provocative actions and raising its flag in the North Pole have aggravated the differences.

Methodology

This research has been done in a scientific-research method. Scientific research is the way that research is done on the topic in question according to valid scientific methods. On the other hand, this research has been done in a descriptive-analytical way, because according to the sources, the existing facts have been expressed and then the analysis and reasoning about these events has been done. Because this research is a library work, the political, legal and environmental importance of the Arctic region and its governance by the Arctic Council in the framework of international law have been discussed. Based on this, some sources have been discussed and research has been done on this matter through the available sources in English, Turkish and Farsi languages.

Conclusion

The Arctic does not yet have specific sovereignty in international law. Countries around the Arctic have divisions of authority. Unlike Antarctica, the region does not yet have a convention on sovereignty and environmental issues and resource utilization, and therefore no progress has been made in the region due to tensions between sovereign states. The strategic importance of the Arctic is not recognized by countries, and only governments recognize the region's oil and gas resources. One of the reasons why the Arctic is important is the area's access to the high seas. With the gradual warming of land and the melting of polar ice, it has facilitated the extraction of underground resources and easy access to the maritime routes of the area, affecting global geopolitics. Using a descriptive-analytical approach, this paper attempts to explain the political importance of this region among governments and to examine the legal challenges to the Arctic with respect to international law. The results show that the region faces border disputes, increased military might and coastal claims. The legal status of this region in accordance with international law is subject to the 1982 Convention on the Law of the Sea. This area, which has not yet been established by a special agreement or treaty, has

always been prone to tension and conflict between countries, especially coastal countries. The 1982 Convention on the Law of the Seas cannot completely fill the void in the Arctic, but it can be filled with cooperation between governments. In this regard, the Arctic Council can compensate for the existing gaps in addition to its duties, including maintaining the ecological cover of the region and resolving disputes and tensions between governments. In order to realize this, it is necessary to expand the scope of jurisdiction and better organization of this council. However, despite the effectiveness of the Arctic Council, due to the special geographical situation of this region, the permanent solution of its problems and issues should be possible with an independent and comprehensive treaty for this region. A treaty that takes into account the specific geographical characteristics of the region and provides a comprehensive and permanent solution including freedom of trade, free passage, protection of the flora and fauna of the region, introduction as a free and common area for all nations, joint exploitation of resources. Determining the legal status and territorial and territorial disputes of the coastal countries, prohibiting the military presence of the countries, solving the issues related to the Arctic continental plateau and respecting the human rights of the native communities of the region and its administration by them, etc. can solve a large part of its problems. To resolve and prevent disputes and widespread regional and international tensions. This solution should include two parts before the polar ice melts and after the polar ice melts. Because currently the polar ices of this region have not melted and cannot be considered as the open sea according to the 1982 Convention on the Law of the Sea. This is the reason why the need for a legal regime or a special treaty for this region is felt for joint administration and solving its problems. Of course, this treaty can be under the supervision of the United Nations and with the advice and provision of a solution by the Arctic Council and by taking into account some rules of the 1982 Convention on the Law of the Sea. In the end, the Arctic legal regime or the Arctic Comprehensive Treaty can be the end point of these problems and dilemmas in this region.

Keywords

“Arctic”, “International Law”, “Arctic Environment”, “1982 Convention on the Law of the Sea”.